

عاقبت قلمداری

با واژه عشق می‌ورزم

وقتی قلم به کارم هست

سیمین بهبهانی

کشورمان بحث کنم.

نخست اجازه دهید بحث due process را از مناقشه‌های مربوط به ضرورت یا عدم ضرورت، و مرجعیت یا تولیت استانداردگذاری جدا کنیم. این که آیا در اقتصاد ما ضرورتی دارد قواعد و رویه‌های حسابداری استاندارد شود یا این که آیا بخش خصوصی یا بخش دولتی باید وظیفه‌دار استانداردگذاری باشد موضوعی جدای از فرایند استانداردگذاری است. در این مقال اندک، فرصتی برای پرداختن به اینها نیست. به‌هرحال ماشین ترجمه، برهم‌گذاری و نه چندان دقیق استانداردگذاری حسابداری ایران راه افتاده است. در این جا مسئله‌ی اساسی بازنگری، اصلاح و دموکراتیزه کردن فرایند استانداردگذاری و مالاً پالایش و پیرایش استانداردها است.

در کشور ما دست کم بعد از انقلاب اسلامی ساختارهای دموکراتیک اثر بخش تری ایجاد شده است. در کشورهایی نظیر کشور ما تمام قوانین و مقررات باید به صورت دموکراتیک وضع شوند. یعنی تمام گروه‌های ذی‌نفع و مردم باید در فرایند وضع آنها حضور یابند. طبعاً هر آنچه را نمایندگان مردم وضع می‌کنند به آن قانون می‌گویند و هر آنچه را مراجع دولتی یا خصوصی به موجب قانون وضع می‌کنند به آن مقررات می‌گویند. به طریق اولی هر فرایند مقررات‌گذاری نیز باید به صورت دموکراتیک باشد.

استانداردگذاری در هر حوزه‌ای، توگویی حسابداری، نوعی مقررات‌گذاری است. بنابراین فرایند استانداردگذاری حسابداری نیز باید دموکراتیک باشد. دموکراسی یعنی حضور تمام توده‌های مردم و گروه‌های ذی‌نفع. اما از آنجا که همه‌ی مردم و گروه‌های ذی‌نفع نمی‌توانند در آن واحد در یک میدان گرد هم آیند و در خصوص مقررات خاصی تصمیم بگیرند، بنابراین نمایندگان آنان پس از سرگزیده شدن در مقررات‌گذاری مشارکت می‌کنند. استانداردگذاری حسابداری از این قاعده مستثنی نیست. در غیر این صورت آراء و خواسته‌های یک گروه به گروه‌های دیگر دیکته می‌شود. خوب یا بد، این اتفاقی است که در استانداردگذاری

همیشه از این بیم داشتم که ناگزیر این ستون را متوقف کنم. به هر حال باید خانه تکانی کرد. باید رفت، تغییر کرد و از نو آغاز کرد. اما از همین حال نوعی حس نوستالژیک آزارم می‌دهد. شاید این آخرین شماره‌ای باشد که با اصطلاح‌شناسی به "حسابدار" و به محفل گرم و صمیمی حسابداران می‌آیم. دل‌کندن و دل‌پریدن بسیار سخت است. من تاکنون با حدود نیمی از "حسابدار"های منتشره همکاری کرده‌ام. احتمالاً در حدود ۸۰ شماره می‌شود. حتی زمانی که از دانشگاه و حرفه به دور افتاده بودم با "حسابدار" حسابدار ماندم و پیوندهایم را با حسابداری حفظ کردم. زمانی هم که دوباره به حرفه و دانشگاه بازگشتم با "حسابدار" به حسابداری اندیشیدم. به هر حال عمری به قلمداری و "حسابدار"‌نویسی گذشت. این همکاری میسر نبود اگر از توجهات استادان، همکاران و دوستانم برخوردار نبودم. در این میان به ویژه وامدار دکتر علی ثقفی و دیگر استادانم، غلامرضا اسلامی و منصور شمس‌احمدی و دیگر اعضای عالی رتبه و فعال انجمن حسابداران خبره‌ی ایران، محمد شلیله و غلامحسین دوانی، سردبیران حسابدار، که همواره با تشویق‌ها و دلگرمی‌هایشان به من انرژی مثبت می‌دادند و عبدالرضا تالانه و دیگر دوستانم هستم.

اما در این شماره، که شاید واپسین کارم برای این ستون باشد، ابتدا می‌کوشم تا معادلی را برای due process به دست هم و سپس چند معادل جدید را برای اصطلاحات انگلیسی جدید عرضه خواهم کرد.

due process

در کشورهایی که به صورت پارلمانی و دموکراتیک اداره می‌شوند روح دموکراسی در تمام جنبه‌های قانون‌گذاری و مقررات‌گذاری‌شان حضور دارد. به فرایند حضور مردم و جامعه در هر عرصه‌ی قانون‌گذاری و مقررات‌گذاری، توگویی استانداردگذاری حسابداری، due process می‌گویند. due process اساساً از حقوق و حقوق سیاسی به دیگر رشته‌ها راه یافته است. پیش از این که معادلی برای این اصطلاح به دست دهم اجازه می‌خواهم تا درباره‌ی این فرایند در استانداردگذاری حسابداری

سیستم پیشرفته دفترداری

دو زبانه (انگلیسی و فارسی)
چند ارزی

چند شرکت
چند شعبه

عملیات بانکی

ساخت گزارشات دلخواه

گزارشات مقایسه‌ای
دوره مشابه سنوات قبل

طراحی مبتنی بر تحلیل صحیح تنها رمز موفقیت سیستمها



نرم افزاری سی.اس.دی
موسسه کنترل و طرح سیستمها

دفتر فروش: (۱۰ خط) ۸۸۲۴۸۱۲

دفتر مدیریت: تلفکس ۸۸۳۶۹۹۸

۸۸۴۶۵۹۳

Email: CSD_Company@yahoo.com

حسابداری ایران رخ داده است. نمونه‌هایی از خواسته‌های گروه مسلط را می‌توان به وضوح در استانداردهای حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی دید.

اخیراً ادعا شده است که با پیوستن چند دانشگاهی و چند حرفه‌ای به کارگروه فنی استانداردگذاری سازمان حسابرسی این فرایند از روح دموکراتیک برخوردار شده است. به ۳ دلیل این فرایند هنوز دموکراتیک نیست: ۱) اعضای کارگروه فنی استانداردگذاری تمام گروه‌های ذی‌نفع را نمایندگی نمی‌کنند؛ ۲) کماکان اکثریت کارگروه فنی استانداردگذاری را یک گروه خاص، یعنی کارکنان سازمان حسابرسی، در اختیار دارند؛ و ۳) فرایند دموکراتیک استانداردگذاری علاوه بر ترکیب اعضای کارگروه استانداردگذاری شامل رویه‌های دیگر از جمله استماع عمومی، نظرخواهی عمومی و مانند اینها است که با اثربخشی صورت نمی‌پذیرد. با این وصف، این فرایند، به هیچ روی دموکراتیک نیست. ممکن است این نارسایی متوجهی قانون‌گذار یا کژپنداری از روح قانون باشد و سازمان حسابداری نقشی در پیکره‌بندی آن نداشته باشد.

حال نوبت برابرگزینی برای اصطلاح due process است. اعتراف می‌کنم که براساس روش‌شناسی معادل‌گذاری، به روال سنت این ستون، هنوز به معادلی برای due process دست نیافته‌ام. با این حال دست‌انم خالی نیست، همان طور که بحث بالا نشان می‌دهد due process یعنی "فرایند دموکراتیک". حال اگر due process در عرصه‌ی استانداردگذاری حسابداری مدنظر باشد می‌توان آن را "فرایند دموکراتیک استانداردگذاری" یا "فرایند آزاد استانداردگذاری" خواند.

اصطلاحات جدید

برابرگذاری برای اصطلاحات جدید، کاری دشوار و پر مسئولیت است. به هر حال، نگارنده تا وقتی قلم به کارش باشد می‌کوشد تا در خورد توان در این عرصه چاره‌آزمایی کند. تا چه قبول افتد. بنابراین به رسم معمول این ستون، معادل‌هایی برای چند اصطلاح جدید عرضه می‌شود:

۱- divest ← سرمایه‌برداری [به قیاس از الگوی نهفته در سرمایه‌گذاری (invest)]

۲- sustainability reporting ← گزارشگری ماندگاری یا گزارشگری تداوم‌پذیری

۳- hearsay evidence ← شواهد بشنو بگو (اصطلاحی که اخیراً در بعضی کتاب‌های حسابرسی به جای شواهد گفتاری استفاده می‌شود)

۴- off-balance sheet debt ← بدهی برون ترازنامه‌ای